

آگوستین اندیشمندی ست که بعد از ارسطو می زیسته است. او در کتابش با نام "اعترافات" سعی در متافیزیکی کردن مسیحیت کرده است. مفهوم مهم در متافیزیک آگوستین، نگرانی روح انسان است. آگوستین رفیع این نگرانی را در برگشت انسان به اطمینان خاطر در هستی واحد ممکن می داند. متافیزیک آگوستین همانند متافیزیک دکارت که در آینده به آن خواهیم پرداخت، "متافیزیک اول شخص" است. از نظر آگوستین، اعتراف پرسشی همان اعتراف به مجرم بودن انسان برای رسیدنش به پایداری و دوری از تزلزل روح است. سوالی که مطرح است این است که چطور و کجا این پایداری را بیابیم؟

آگوستین تحت تاثیر افلوپین فیلسوف قبل از خود بود. افلوپین فلسفه نئو افلاطونی را بنیان نهاد. نظر او بر این بود که برخلاف آنچه افلاطون می گفت، اصل واحد جدا از هستی نیست بلکه در خود هستی ست. آگوستین همچنین تحت تاثیر سیسرون و مانی-پیام آور بابلی قرن سوم بعد از میلاد- بوده است که معتقد بودند منبع هستی همان نور و روشنایی ست، آنها دوگانگی جسم و روح را مطرح کرده بودند و هستی را تقسیم شده در این دو می دانستند. آگوستین این عقیده را نوعی کفر می دانست و معتقد بود که هستی وحدانیت دارد و تقسیم ناپذیر است (این نظریه یک راه حل افلاطونی به شمار می رود). آگوستین هستی واقعی را ابدی می دانست و معتقد بود که هستی برای انسان فقط در لحظات فرو رفتن در عمق وجود خود قابل دسترسی ست

آگوستین وجود زمان را مانع از درک هستی ابدی می دانست. او زمان را فقط حرکت در فیزیک نمی دانست بلکه به کنش هستی انسان در چندگانگی تعبیر می کرد یعنی تغییری که در روح حاصل می شود را مربوط به زمان می دانست، وقتی روح می خواهد برای دوری از تزلزل به مرکز هستی برگردد. از نظر او، زمان فقط در حافظه (گذشته)، توجه (حال) و انتظار (آینده) معنی می دهد و برگشت به مرکز هستی نوعی فرار از زمان در فرآیند تبدیل است. او این فرار را به "فرار از یک تنها به تنهای دیگر" تعبیر کرده است

پرسیکتیو متافیزیک قرون وسطایی به دانای الوهی جستجو شده در یونان باستان برمی گردد و دانش اصول اولیه که به آن در متافیزیک ارسطو پرداختم، با دانش موجود در کتب مقدس ادغام شده است

در نقد متافیزیک آگوستین این نکات را مطرح می کنم:

محدود کردن متافیزیک به تئولوژی در دیدگاه آگوستین یکی از اشکالات فلسفه اوست. متافیزیک را باید به دیدگاههای دیگر از جمله هستی تاریخ و زبان گسترش داد و این کاری ست که آگوستین به آن نپرداخته است

آگوستین چگونگی و علل هستی را در متافیزیک خود برخلاف ارسطو بررسی نکرده است. این مقوله ای ست که در بحث متافیزیک اهمیت خاصی دارد و در فلسفه آگوستین ناگفته مانده است

منبع:

Confessions, Augustine, Cambridge University Press, 2001